

عینیت‌گرایی در حسابداری

زهرا جودکی چگنی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
Z.h.r.joudaki@gmail.com

چکیده

همه رشته‌های علوم اجتماعی از جمله حسابداری را می‌توان با توجه به مفروضات مرتبط با ماهیت علم و بر اساس دیدگاه مبتنی بر قضاوت عینی یا ذهنی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در این پژوهش، مساله عینیت و عینیت‌گرایی با کنکاش دیدگاه اندیشمندان به بسط متون در این زمینه می‌پردازد. این پژوهش از لحاظ روش، مروری و به ارزیابی پژوهش‌هایی که در گذشته انجام شده می‌پردازد. نتایج پژوهش حاضر موید این مطلب است که واکاوی عینیت، شناخت مناسبی از ابعاد ذهنی و عینی حسابداری را به همراه دارد. برخی از نظریه‌پردازان حسابداری با به کارگیری دیدگاه‌های موجود در فلسفه در پی پاسخ به این موضوع چالش‌برانگیز بوده‌اند. در این نوشتار با به کارگیری دیدگاه بازنگرایی به ارائه عینیت‌گرایی در حسابداری مبتنی بر باورهای فلسفی پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: عینیت، ذهنی، عینیت‌گرایی، بازنگرایی.

مقدمه

عینیت، عقلانیت و برپایی بحث منطقی درباره آنها، یکی از موضوعاتی است که در نظریه‌های حسابداری و میان اندیشمندان آن مطرح است. در ادبیات حسابداری بر پایه اندیشه‌ها و نظرات فلاسفه امروزمین در پهنه فلسفه ذهن، فلسفه زبان و فلسفه علوم اجتماعی دو دیدگاه بازنگرایی و دیدگاه ضد بازنگرایی برای موضوع عینیت‌گرایی ارائه شده است. برخی از این نظریه‌پردازان با به کارگیری اصول سنت عقلانیت غربی دانش، برای گزارشگری مالی باورهای فلسفی ارائه داده‌اند تا حسابداری را یک دانش بیطرف و به دور از سیاست شناسایی کنند. این دیدگاه که به دیدگاه بازنگرایان موسوم است، عینیت در حسابداری را یک واقعیت خارجی می‌داند. اما برخی دیگر با رد وجود هرگونه باور و پیشفرض فلسفی برای حسابداری، پایه عینیت در حسابداری را در بینا ذهنیت دانسته‌اند و آن را فرمایشی سیاسی میدانند. این دیدگاه به ضد بازنگرایی موسوم است (هاشمی و میرزایی، ۱۳۹۵).

مطالعات اخیر در زمینه حسابداری نشان داده است که اطلاعات حسابداری از کیفیت عینی که تصور می‌شد برخوردار نیستند (موسو، ۲۰۱۱). به عنوان مثال، موسو و تو (۲۰۰۸) با استفاده از اصول نظریه بازنگرایی اندازه‌گیری نشان داد که حسابداری یک رشته اندازه‌گیری نیست. علاوه بر این، پژوهشگرانی همچون واکر و جونز (۲۰۰۳)، چمبرز (۱۹۹۷) و ویلت (۱۹۸۸) نیز فقدان مبانی اندازه‌گیری در حسابداری را تایید می‌کنند. بدون مبانی اندازه‌گیری یک رشته نمی‌تواند اطلاعات عینی تولید کند. اهمیت تأکید بر عینی‌گرایی در بازنگرایی‌های تئوری‌ها، مشکلات ادراکات ذهنی، درک‌ها، اهداف و اقدامات را نادیده می‌گیرد (گرین، ۲۰۱۱). از منظر دیگر، کینی (۲۰۱۵) و بوردیو (۱۹۹۲) استدلال کردند که فرد